

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۲/۰۵

سیده میترا هاشمی^۱

درآمدی بر چیستی تاریخ شفاهی معماری ایران

چکیده

بیشتر کسانی که با معماری گذشته ایران آشنا هستند، به‌زودی از میان ما خواهند رفت و رفتن ایشان برابر است با از دست دادن گنجینه‌ای از شناخت در این باره. هرچند اهمیت منابع شفاهی در مطالعات تاریخ معماری، به‌ویژه تاریخ معماری ایران روشن است، تاکنون هیچ پژوهشی درباره رابطه حوزه مخصوص این گونه پژوهش، یعنی تاریخ شفاهی، با تاریخ معماری و تاریخ معماری ایران نشده است. در این مقاله به این رابطه و حوزه حاصل از پیوند آنها یعنی «تاریخ شفاهی معماری ایران» می‌پردازیم. شناخت شاخه «تاریخ شفاهی معماری ایران» بیش و پیش از هر چیز مستلزم داشتن تصویری روشن از آن است؛ به‌همین سبب در این مقاله، از چیستی تاریخ شفاهی معماری ایران می‌پرسیم. برای این کار، نخست شناختی اجمالی از تاریخ به دست می‌آوریم و ساختار پژوهش آن را می‌جوئیم. ساختار پژوهش تاریخی را مبنایی برای بیان چیستی تاریخ شفاهی و چیستی تاریخ معماری ایران می‌کنیم. تبیین چیستی تاریخ شفاهی و تاریخ معماری ایران بر پایه ساختاری مشترک، راه را برای پیوند این دو شاخه و تعریف تاریخ شفاهی معماری ایران می‌گشاید. پژوهش حاضر درآمدی است بر تاریخ شفاهی معماری ایران و تدوین و تبیین مبانی نظری این شاخه جدید تا سرآغازی شود برای پژوهش‌های آتی و دستیابی به دانش‌آشنایان به معماری ایران، و نگهداری این میراث ارزشمند برای آیندگان.

کلیدواژه‌ها: تاریخ شفاهی معماری ایران، تاریخ شفاهی، تاریخ معماری، تاریخ، معماری.

^۱ کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، استان تهران، شهر تهران

Email: hashemii.mitra@gmail.com

مقدمه

تاریخ شفاهی شاخه‌ای نسبتاً جدید از پژوهش‌های تاریخی است که در میانه سده بیستم پدید آمد و مورد توجه قرار گرفت. تاریخ شفاهی معماری ایران نیز شاخه‌ای مهم و در عین حال مغفول است. مهم است از این روی که منابع شفاهی در برخی از موضوعات تاریخ معماری ایران، تنها منبع مطالعه و در برخی دیگر از منابع اصلی است و رجوع به این منابع راهی است برای دست یافتن به دیدگاهی اصیل‌تر و درونی‌تر در تاریخ معماری. مغفول است از این روی که تاکنون چندان به آن نپرداخته‌اند. پرداختن به تاریخ شفاهی ضروری است، چرا که منابع شفاهی عمری به درازای عمر یک انسان دارند و زودتر از دیگر انواع منابع از دست می‌روند. پس غفلت از آن یعنی پشت کردن به گنجینه‌ای از شناخت درباره معماری گذشته این سرزمین.

تا امروز پژوهش‌هایی با عنوان «تاریخ شفاهی معماری» و «تاریخ شفاهی معماری ایران» پدید آمده است، اما این شاخه هنوز اصول نظری روشن و استواری ندارد. شاید به سبب همین کاستی، معدود پژوهش‌های انجام گرفته نیز از دقت و کیفیت لازم برخوردار نیست. این مقاله تلاشی است برای شناخت تاریخ شفاهی معماری ایران و مقدمه‌ای برای تدوین و تبیین اصول نظری این شاخه پژوهشی جدید.

پیش از ورود به مباحث هر علم، باید تصویری روشن از چیستی آن به دست آورد که با تعریف ممکن می‌شود. به همین روی، ما نیز در بدو پژوهش درباره «تاریخ شفاهی معماری ایران»، ناچاریم به تعریفی روشن از آن دست یابیم. شناخت این شاخه پژوهشی مستلزم شناخت شاخه‌های بزرگ‌تر مقدم بر آن، یعنی «تاریخ شفاهی» و «تاریخ معماری ایران» است. از این دو، تاریخ معماری نزد ما آشنا تر است، اما از حیث مباحث نظری کم‌مایه‌تر؛ و تاریخ شفاهی از حیث مباحث نظری بسیار غنی و مدون اما در ایران ناشناخته و بیگانه است.^۲

در بیان چیستی این شاخه‌ها، ناگزیر از تعریف مفاهیمی چون «تاریخ» و «معماری» نیز هستیم. پیداست که یافتن تعریفی جامع و مانع از چنین مفاهیمی از حوصله این مقاله بیرون است و به آنها تا آنجا می‌پردازیم که برای به دست آوردن تعریفی از «تاریخ شفاهی معماری ایران» بسنده باشد. در این راه باید مبنایی مشترک برای این تعاریف یافت تا بتوان برپایه آن، این دو شاخه را به هم پیوند زد. این مبنای مشترک در این است که از جنس پژوهش‌اند، پس می‌توان ساختاری را که جامع همه پژوهش‌هاست، مبنای تعریف آنها گرفت. از قضا آن ساختار مشترک یا تعاریف اجماعی و کلی تاریخ و تاریخ شفاهی نیز هماهنگ است. با همین مبنای مشترک، نخست به بازاندیشی تعریف «تاریخ» می‌پردازیم و آن را پایه‌ای برای تعریف «تاریخ شفاهی» و «تاریخ معماری ایران» می‌کنیم؛ سپس به تعریفی از «تاریخ شفاهی معماری ایران» می‌رسیم.

چیستی تاریخ

تعریف تاریخ خود محل اختلاف است؛ چه در جهان بینی‌های گوناگون، تعاریف گوناگونی یافته است. امروز اصطلاح «تاریخ» برای معانی مختلفی به کار می‌رود. از آن میان، دو معنی اصلی را می‌توان برشمرد (کار، ۱۳۸۶، ۴۹):

- «تاریخ» به معنی گزارش از وقایع گذشته و پژوهش در آن؛ و
 - «تاریخ» به معنی خود وقایع گذشته یا به دیگر سخن، گذشته.
- این دو معنی بی‌پیوند با هم نیست و یکی موضوع یا از نگاهی دیگر، محصول دیگری است.

«تاریخ» در معنی نخست از جنس علم است که با کار پژوهش^۳ پیش می‌رود و درون‌داده‌ها، پردازش^۴ و برون‌داده‌های^۱ ویژه خود را دارد و بنیاد آن بر پرسشی استوار است. در معنی دوم نیز همچون درون‌داده‌های علم تاریخ در معنی نخست یا موضوع آن است. به تعبیری می‌توان تاریخ در معنی نخست را «تاریخ درجه دو» و تاریخ در معنی دوم را «تاریخ درجه یک» گفت.^۷

مراد از «تاریخ» در گذشته نیز نزدیک به معنی نخست بود؛ چه «تاریخ» را تدبر در احوال گذشتگان و قصص و اخبار ایشان می‌دانستند^۸ و احتمالاً دیگر معانی تاریخ از راه ترجمهٔ زبان‌های لاتینی به فارسی راه یافته است.^۹ ما نیز در تاریخ شفاهی و تاریخ معماری، با تاریخ درجه دو سروکار داریم. تاریخ در این معنی از جنس علم است و با پژوهش و پرسش پیش می‌رود (کالینگوود، ۱۳۸۵، ۱۶-۱۷). پس پرداختن به ساختار پژوهش تاریخی و روشن ساختن اجزای آن، یکی از راه‌های تعریف تاریخ است؛ یعنی تبیین ساختار و اجزای تحقیقی که به آن می‌گوییم «تاریخ»، «تاریخ معماری»، «تاریخ شفاهی»، یا «تاریخ شفاهی معماری».

اجزای تحقیق

برای روشن ساختن اجزای تحقیق تاریخی، نخست باید اجزای کلی هر تحقیق را بشناسیم.^{۱۰} بنیاد هر پژوهش یا جستاری بر پرسش نهاده شده و روشن شدن هر پژوهشی در گرو روشن شدن پرسش آن است. به دیگر سخن، اگر هر پژوهش را به راهی مانند کنیم که آغاز و انجامی دارد، این پرسش است که پژوهش را آغاز و به انجام می‌رساند. پرسش در آغاز راه، دربارهٔ چیزی است که به آن «موضوع تحقیق»^{۱۱} گوییم. در انجام راه نیز برای رسیدن به چیزی است که به آن «مقصد تحقیق» یا «هدف پرسش»^{۱۲} گوییم. رفتن از آغاز به انجام راه نیز به کمک چیزی است که به آن «مرجع تحقیق» یا «منبع پرسش»^{۱۳} گوییم (هایدگر، ۱۳۸۶، ۶۶-۶۸). پس برای روشن شدن هر پژوهشی می‌توان این‌ها را پرسید:

- پرسش دربارهٔ چیست؟ که با آن موضوع تحقیق^{۱۱} روشن می‌شود.
 - پرسش از چیست؟ که با آن مرجع تحقیق^{۱۲} روشن می‌شود.
 - پرسش برای چیست؟ که با آن مقصد تحقیق^{۱۳} روشن می‌شود.
- برای تعریف «تاریخ» نیز می‌توان اجزای آن را روشن کرد که در ادامه به هر کدام می‌پردازیم.

اجزای تاریخ

در میان تعاریف مختلف تاریخ، برخی تعاریف کلی و اجماعی نیز هست؛ یکی از این تعاریف از آن کالینگوود^{۱۴} است. در نگاه وی، «تاریخ نوعی تحقیق یا پژوهش است ... موضوع آن افعال آدمیان در گذشته است ... با تفسیر مدارک پیش می‌رود ... برای خودشناسی است» (کالینگوود، ۱۳۸۵، ۱۶-۱۸). تعریف او از تاریخ، بر ساختار پژوهش نیز منطبق است. براین اساس می‌توان گفت:

- موضوع تاریخ افعال آدمیان در گذشته است. فعل انسانی با فکر همراه است یا به دیگر سخن، فعل درونی دارد و برونی. مورخ به آن فعل می‌نگرد تا از برون آن، به فکر و اندیشهٔ درونش راه یابد. به همین روی، بسیاری از دانشوران معرفت تاریخی را منحصر به امور انسانی می‌دانند و نه امور طبیعی؛ چراکه امور طبیعی حادثه است، نه فعل و از این روی، با افعال انسانی متفاوت است و نمی‌تواند موضوع پژوهش تاریخی باشد (استنفورد، ۱۳۸۴، ۲۷۲-۲۷۳).

- مرجع تحقیق تاریخی شواهد تاریخی است. در پژوهش تاریخی، هر گزاره‌ای مستلزم شاهد

است؛ مگر آنکه بدیهی باشد (استنفورد، ۱۳۸۴، ۲۲۴). پس در هر پژوهش تاریخی، سیر از آغاز به انجام راه با تفسیر شواهد پیش می‌رود.

• مقصد تحقیق تاریخی خود محل اختلاف است. در تعاریف امروزی، مقصود تاریخ خودشناسی می‌دانند. در این دیدگاه، مراد از «خودشناسی» شناخت ماهیت خویشتن است در مقام انسان (کالینگوود، ۱۳۸۵، ۱۸). مورخان گذشته مقصد و فایده تاریخ را کسب «عبرت» و پند گرفتن می‌دانستند.^{۱۰} به هر روی، مقصود تحقیق تاریخی از جنس معرفت است که گاه از آن به «خودشناسی» و گاه به «عبرت» تعبیر می‌کنند.

بر مبنای ساختاری که برای تحقیق تاریخی برشمریم، می‌توان به تعریفی برای تحقیق تاریخی دست یافت. البته آنچه درباره موضوع، مرجع، و مقصد تحقیقات تاریخی گفتیم، بسیار کلی است و در هر پژوهش بسته به دیدگاه مورخ می‌تواند جزئی شود. در این مقاله، این ساختار را برای تاریخ فرض می‌گیریم و بر مبنای آن، تعریف تاریخ شفاهی و تاریخ معماری را می‌جوییم تا سرانجام به تعریف تاریخ شفاهی معماری ایران دست یابیم.

چیستی تاریخ شفاهی

معنی اصطلاح «تاریخ شفاهی» پیشاپیش روشن نیست؛ به همین روی پیش از بیان مفهوم تاریخ شفاهی، نخست بهتر است در معنی لفظی آن تأمل کنیم. «تاریخ شفاهی» مرکب از دو جزء «تاریخ» و «شفاهی» است.^{۱۱} شفاهی را گفتاری و مقابل کتبی می‌دانند.^{۱۲} «تاریخ» نیز برای معانی مختلفی به کار رفته است. پرسشی که پیش می‌آید این است که «تاریخ» در «تاریخ شفاهی» حقیقتاً به کدام معنی است.

گفتیم که تاریخ دو معنی اصلی دارد: یکی گزارش از وقایع گذشته یا پژوهش در آن؛ و دیگری خود وقایع. از این دو معنی، معنی نخست است که می‌تواند مناسبتی با شفاهی داشته باشد؛ آن هم در صورتی که تاریخ را گزارش وقایع بدانیم، چه اطلاق «شفاهی» به گونه‌ای از پژوهش معنی ندارد. در معنی دوم، یعنی تاریخ همچون وقایع گذشته نیز، اطلاق شفاهی به تاریخ بی‌معنی است؛ چه واقعه نمی‌تواند شفاهی یا غیرشفاهی باشد. پس جمع آمدن دو لفظ «تاریخ» و «شفاهی» آنگاه درست است که مراد از آن «گزارش شفاهی رویدادهای گذشته» باشد. اما آنچه امروز از «تاریخ شفاهی» مراد می‌کنند گسترده‌تر از این تعریف است؛ پس لفظ «تاریخ شفاهی»^{۱۳} لفظی جامع و مناسب نیست. صاحب‌نظران تاریخ شفاهی هم خود بر این امر معترف‌اند. تا امروز گزینه‌های دیگری نیز به جای «تاریخ شفاهی» پیشنهاد شده، اما هیچ‌کدام قبول عام نیافته است (Morrissey, 1980, 39-42)؛ و امروز «تاریخ شفاهی» را تنها به سبب رواج آن، به منزله اصطلاحی قراردادی پذیرفته‌اند (Morrissey, 1980, 23). به همین روی، تعریف لفظی تاریخ شفاهی نمی‌تواند برای شناخت آن، چندان راهگشا باشد.^{۱۴}

تاریخ شفاهی شاخه‌ای از تاریخ است؛ اما اینکه تاریخ شفاهی چه نسبتی با تاریخ دارد، خود محل پرسش است. هر چند صاحب‌نظران عرصه تاریخ شفاهی کمتر به این موضوع پرداخته‌اند، کسانی از بیرون این حوزه اختلاف کرده‌اند که تاریخ شفاهی روشی^{۱۵} است در علم تاریخ یا خود رشته^{۱۶} است. برخی تاریخ شفاهی را روشی برای گردآوری و ضبط اسناد و شواهد تاریخی می‌دانند. تاریخ شفاهی با آنکه در دانشگاه پدید آمد، در آغاز مورد توجه بایگانی‌داران قرار گرفت؛ چرا که با پیدایش گونه‌ای از اسناد تاریخی جدید همراه بود. به همین سبب، بایگانی‌داران آن را روشی برای ضبط اسناد تاریخی می‌دانستند و بیشتر متوجه مباحث عملی تاریخ شفاهی و شیوه گردآوری و پردازش اطلاعات در آن بودند. روشی که پیش از آن، در عرصه تاریخ مغفول

بود و به زعم برخی، تاریخ شفاهی آن را از شاخه‌هایی همچون جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی وام گرفت (Evans, 1972, 56).^{۲۲} در چند دهه اخیر، صاحب‌نظران تاریخ شفاهی این رویکرد را رد کرده‌اند و در پی تدوین مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تاریخ شفاهی به‌مثابه رشته‌ای دانشگاهی برآمده‌اند (Lance, 1980, 59). ایشان بیش از شیوه عملی، متوجه اصول نظری تاریخ شفاهی‌اند و دستاوردهایی که آن را از تاریخ متمایز می‌سازد. با این حال، هنوز توافقی بر سر رشته بودن تاریخ شفاهی نیست.^{۲۳}

به‌هرروی، تاریخ شفاهی یک وجه نظری دارد و یک وجه عملی که هر کدام وابسته به دیگری است و نادیده گرفتن هیچ‌یک ممکن نیست. از سوی دیگر، چنین اختلافاتی در دیگر شاخه‌های معرفت نیز مطرح بوده و امروز دانشمندان کمتر به چنین مرزبندی‌هایی اهمیت می‌دهند؛ چه در حوزه معرفت، یافتن چنین وجوه امتیاز قاطعی دشوار است و تمام علوم حتی آنها که بیش از هر علم دیگر نظری می‌نمایند، ممکن است دارای وجوهی عملی باشند و برعکس، آنها که تنها عملی می‌نمایند، نیز دارای وجوهی نظری‌اند.^{۲۴} بحث از اینکه تاریخ شفاهی رشته است یا روش، و اصول نظری آن اهمیت بیشتری دارد یا اصول عملی آن، تاکنون چندان مورد توجه صاحب‌نظران تاریخ شفاهی نبوده است و جز در برخی محافل غیررسمی، کمتر به آن پرداخته‌اند.^{۲۵}

به‌هرروی، تاریخ شفاهی جزئی از تاریخ است و به تبع آن از جنس پژوهش است. برای شناخت تاریخ شفاهی، باید در پی یافتن ویژگی‌هایی که تاریخ شفاهی را در حوزه تاریخ متمایز می‌کند - به اصطلاح منطق، «فصل» تاریخ شفاهی - باشیم. امتیازاتی را که در تعاریف اجماعی و کلی تاریخ شفاهی برمی‌شمارند، می‌توان در قالب ساختار پژوهش تبیین کرد.^{۲۶}

موضوع تاریخ شفاهی

موضوع تاریخ وقایع گذشته است. موضوع تاریخ شفاهی نیز وقایع گذشته است؛ اما بخشی از وقایع گذشته که هنوز خاطره‌اش نزد شاهدان باقی است (Perks and Thompson, 2003, ix; Ritchie, 2003, 19). پس وقایعی در محدوده تاریخ شفاهی منظور است که شاهدان آن هنوز زنده‌اند که معمولاً وقایعی با عمر کمتر از نود سال را شامل می‌شود؛ چه شاهدان وقایع پیش از آن تا امروز در گذشته‌اند، مگر در موارد معدود.

مرجع تاریخ شفاهی

تاریخ با تفسیر شواهد پیش می‌رود. تاریخ شفاهی نیز مبتنی بر شواهد شفاهی^{۲۷} است. شواهد شفاهی اقوال شفاهی شاهدان و عاملان وقایع گذشته است. اما هر قول شفاهی درباره گذشته در تاریخ شفاهی معتبر نیست. تاریخ شفاهی تنها به دنبال اقوال حاضران در یک واقعه و شاهدان آن است و افسانه‌ها و امثال و دیگر روایات درباره روزگار دور، که به صورت شفاهی از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است، جزو شواهد تاریخ شفاهی نیست.^{۲۸}

مقصد تاریخ شفاهی

مقصد کلی تاریخ از جنس معرفت است و مقصد تاریخ شفاهی نیز تابع آن. اما دستاورد تاریخ شفاهی نسبت به تاریخ، محل اختلاف است و اسباب پیدایش نطه‌های مختلف در این شاخه شده است. برخی تاریخ شفاهی را راهی برای دستیابی به اطلاعات تاریخی می‌دانند که در تاریخ مغفول مانده است. برخی دیگر تاریخ شفاهی را راهی برای دستیابی به تفسیرهای تاریخی جدید می‌دانند.

این اختلاف منجر به پیدایش دو رویکرد اصلی در تاریخ شفاهی شده است که بررسی و شناخت آن مستلزم مجالی دیگر است.^{۲۹} به هر روی، مقصود کلی تاریخ شفاهی از جنس معرفت است. بنا بر آنچه درباره ساختار تحقیق تاریخ شفاهی گفتیم، می‌توان به تعریفی برای تاریخ شفاهی دست یافت. در تعاریف اجماعی و دانشنامه‌ای تاریخ شفاهی نیز معمولاً به بیان همین ویژگی‌ها بسنده می‌کنند. برای مثال، استنفورد^{۳۰} تاریخ شفاهی را نوع جدیدی از پژوهش‌های تاریخی می‌داند که با روشی خاص در پی گردآوری گونه‌ای از اسناد تاریخی است که پیش از این مغفول مانده و رویکردی نو در گزینش و تفسیر شواهد تاریخی دارد (استنفورد، ۱۳۸۴، ۲۶۶-۲۶۷).

چیستی تاریخ معماری

معنی اصطلاح «تاریخ معماری»^{۳۱} نیز برخلاف آنچه می‌نماید، پیشاپیش روشن نیست. «تاریخ معماری» مرکب از الفاظ «تاریخ» و «معماری» است. کنار هم آمدن این دو لفظ معانی متعددی را با خود به همراه آورده است. منشأ این معانی متعدد را از سویی باید در معانی متعدد «تاریخ» جست و از سویی دیگر در معانی متعدد «معماری». تعدد و اختلاف در معانی این دو، به دست دادن تعریفی اجماعی برای تاریخ معماری را دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد. کسانی که با تاریخ معماری سروکار داشته‌اند یا دارند نیز هنوز تعریف جامع و مانعی از آن به دست ندهاده‌اند و حتی کمتر در آن تأمل کرده‌اند.

تاریخ معماری از گذشته دور ذیل یکی از شاخه‌های تاریخ، یعنی تاریخ هنر بود. سرانجام در میانه سده بیستم، شاخه‌ای مستقل در میان پژوهش‌های تاریخی شد (Payne, 1999, 292-293). اگرچه امروز برخی تاریخ معماری را رشته‌ای مستقل می‌دانند، هنوز توافقی بر سر رشته بودن آن نیست و در نظر بسیاری، تاریخ معماری هنوز ذیل رشته‌هایی چون تاریخ، معماری، یا تاریخ هنر است.^{۳۲} به هر روی، تاریخ معماری نیز گونه‌ای از پژوهش‌های تاریخی است؛ اگرچه صاحب‌نظران این حوزه تا امروز، کمتر درباره نسبت آن با تاریخ اندیشیده‌اند.

به سبب همین اختلافات، یافتن معنایی اجماعی برای تاریخ معماری دشوار است و در این مقاله نیز در پی کشف چنین معنایی نیستیم. آنچه در اینجا منظور است، شناخت مشخصات تاریخ معماری است برای یافتن پیوند آن با تاریخ شفاهی. برای این کار، از یک سوی آنچه را پیش‌تر در تعریف تاریخ آمد، پایه کار خود می‌کنیم و نسبت تاریخ معماری با آن را می‌جوییم؛ و از دیگر سوی، به بازاندیشی معانی «معماری» می‌پردازیم تا بتوانیم به تعریفی از «تاریخ معماری» دست یابیم؛ تعریفی که پایه‌ای شود برای تعریف تاریخ شفاهی معماری ایران.

موضوع تاریخ معماری

موضوع تاریخ وقایع گذشته است. پس موضوع تاریخ معماری نیز وقایع گذشته است؛ اما آن بخش از وقایع گذشته که آن را «وقایع معماری» گوئیم. اکنون این پرسش پیش می‌آید که وقایع معماری کدام‌اند. پاسخ دادن به این پرسش در گرو برداشت ما از معنی «معماری» است. لفظ «معماری» مرکب است از «معمار»، به معنی کسی که به کار ساختن و آباد کردن است، و «یای» نسبت. پس معنی اصلی «معماری» علم و عمل منسوب به معمار است؛ همچون بنایی که علم و عمل منسوب به بناست. به این معنی، در گذشته «عمارت» یا «آباد کردن» نیز می‌گفتند. ولی معنی این لفظ امروز گسترده‌تر شده است و «معماری» معانی دیگری نیز به خود گرفته است. از جمله «معماری» به معنی اثر منسوب به معمار است که در این مقاله آن را «اثر معماری» گوئیم.^{۳۳} از این

معانی متعدد، تنها معنایی که جنبه وقوعی دارد، عمل منسوب به معمار است. دیگر معانی معماری هیچ‌کدام جنبه وقوعی ندارند؛ مثلاً اثر منسوب به معمار محصول عملی است که واقع شده یا به دیگر سخن، محصول واقعه معماری است.

پس موضوع تاریخ معماری، که به آن «واقعه معماری» گفتیم، واقعه عمارت یا رویداد ساختن و آباد کردن است و تحقیق تاریخ معماری با پرسش درباره این رویداد آغاز می‌شود. در واقعه معماری، زمینی بایر عمارت می‌شود؛ یا بنای پیشین ویران و بر جای آن بنایی جدید برپا می‌شود؛ یا جایی، که قبلاً دایر بوده، تجدید عمارت می‌شود. در تاریخ معماری از ابعاد گوناگون چنین واقعه‌ای می‌توان پرسش کرد.

واقعه معماری به این معنی، کمتر در تاریخ‌نامه‌های معماری مورد توجه بوده است. موضوع بسیاری از تواریخ معماری پیشین، اثر معماری یا معمار است و به خود معماری به معنی علم و عمل معمار کمتر پرداخته‌اند. تاریخ معماری از این حیث متأثر از تاریخ هنر است؛ چه این شیوه معمول مورخان هنر بوده است. چنانکه می‌توان گفت تاریخ‌نامه‌های هنر تاکنون یا تاریخ‌های سبک‌شناسی بوده‌اند که از توجه به اثر هنری شکل گرفته‌اند؛ یا تاریخ‌های زندگی‌نامه‌ای که از توجه به هنرمند شکل گرفتند.^{۳۴} اما امروز برخی از صاحب‌نظران چنین تاریخ‌نامه‌هایی را «تاریخ اثر هنری» و «تاریخ هنرمندان» می‌نامند و برآنند که بسیاری از این آثار را نمی‌توان مصداق «تاریخ هنر» دانست.^{۳۵}

پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که اسباب غفلت از معماری، یعنی علم و عمل معمار در تاریخ معماری چیست؟ شاید از مهم‌ترین اسباب این غفلت آن است که «معماری» به معنی علم و عمل معمار، هیچ مصداق خارجی ندارد و ما تنها در قالب اثر معماری و معمار با آن مواجه می‌شویم. بنابراین اثر معماری را به معمار احاله می‌کنیم و معمار را به اثر معماری؛ و در این میان از معماری که مقدم بر آن دو است غافلیم.^{۳۶} این مسئله در تاریخ معماری پیچیده‌تر است؛ چه عمل و واقعه معماری بعد زمانی نیز پیدا می‌کند. عمل معماری در گذشته به انجام رسیده و امروز با آثار آن، که بنیادی‌ترین همان اثر معماری است، رودرو هستیم.

به‌هرروی، موضوع تاریخ معماری واقعه معماری است؛ یعنی واقعه ساخته و آبادان شدن جای‌ها در گذشته. «تاریخ معماری ایران» نیز فصلی مکانی بر این وقایع می‌نهد و آن را محدود به بخشی از وقایع معماری گذشته می‌کند که در محدوده ایران فرهنگی واقع شده است.^{۳۷} در تاریخ معماری، می‌توان از وجوه مختلف این واقعه پرسید.

مرجع تاریخ معماری

مرجع تاریخ شواهد باقی از وقایع گذشته است. وقایع معماری نیز همچون دیگر وقایع تاریخی در گذشته به پایان رسیده است و امروز تنها در قالب آثار و شواهد، با آن رودرو هستیم. مرجع تاریخ معماری که شواهد باقی‌مانده از وقایع معماری گذشته است، از سه گونه است:

- شواهد مادی که بنیادی‌ترین آن اثر معماری است، یعنی آبادی یا بنا. اثر معماری محصول واقعه معماری است و به همین سبب، مهم‌ترین و نخستین مرجع برای شناخت آن. اما بسیاری از این آثار از حیث کالبدی تغییر کرده‌اند و عملکرد و کیفیت و شیوه زندگی در آنها نیز با آنچه در اصل بوده متفاوت است. مورخان پیشین در تحقیق تاریخ معماری به این آثار بسنده می‌کردند، اما مورخان امروز برآنند که این آثار به‌تنهایی گویای تمام وجوه واقعه معماری نیست و نمی‌توان در شناخت وقایع گذشته معماری به شواهد مادی

بسنده کرد. به همین روی باید در جستجوی دیگر شواهد باقی بود (Leach, 2010, 76-77; Ballantyne, 2006, 36). علاوه بر اثر معماری، ابزارها و اشیاء و مانند آن نیز در شمار شواهد مادی است.

- شواهد کتبی بخشی دیگر از آثار و شواهد باقی از وقایع معماری و به صورت کلی از سه گونه متون و اسناد، تصاویر، و کتیبه‌هاست. هرچند هیچ متن مکتوبی که مستقیماً درباره معماری ایران باشد موجود نیست، در بسیاری از متون باقی، می‌توان اطلاعاتی درباره معماری گذشته جست.^{۲۸}
- شواهد شفاهی که اقوال شفاهی مردم درباره وقایع معماری گذشته است. توجه جدی به این بخش از شواهد تاریخی در میان مورخان بسیار متأخر است. مورخان معماری نیز کمتر به شواهد شفاهی باقی از وقایع معماری گذشته توجه داشته‌اند.^{۲۹}

مقصد تاریخ معماری

پژوهشی که با پرسش درباره رویداد ساختن یا آباد کردن آغاز می‌شود، ممکن است به جای‌های گوناگونی بیانجامد. این جای‌های گوناگون می‌توانند چنان از هم دوری گزینند که دیگر در زیر یک شاخه به نام «تاریخ معماری» ننگند. برای شناخت مقصد تحقیق تاریخ معماری، شناخت کیستی محقق تاریخ معماری می‌تواند روشنگر باشد. تاریخ معماری از وجهی با تاریخ مرتبط است و از وجهی دیگر با معماری، پس مورخ معماری از وجهی مورخ است و از وجهی آشنا با معماری.^{۳۰} این هر دو باید با هم باشند؛ نه مورخ بودن به تنهایی کافی است و نه معمار بودن.

آنکه از تاریخ معماری می‌پرسد، باید آشنا به معماری باشد؛ اما آشنایی با معماری به تنهایی کافی نیست. چه بسیار معمارانی که در شناخت معماری گذشته به خطا رفته‌اند؛ چرا که فقط به توانایی‌های معمارانه خویش بسنده کرده‌اند و آنچه را که از امروز است به تمامی به گذشته حمل کرده‌اند. به همین روی، نه تنها کمکی به شناخت وقایع گذشته نگرداند، بلکه مشکلات را دو چندان کرده‌اند (Coldstream, 2003, 219-224). از دیگر سو، آنکه از تاریخ معماری می‌پرسد مورخ است، اما مورخ بودن نیز به تنهایی کافی نیست؛ چرا که بیشتر مورخان متوجه آثار و حتی «فنون معماری» اند.^{۳۱} این آثار به طور عام حکم شواهدی از گذشته را دارند و به طور خاص حکم مکان وقوع وقایع را. پس مورخان به آثار معماری توجه دارند و گاه آثار معماری برجای مانده از گذشته از شواهد اصلی در دست مورخ است.^{۳۲} مثلاً پژوهشگر شاخه تاریخ نظامی^{۳۳} متوجه آثار باقی از قلاع نظامی است؛ یا پژوهشگر شاخه تاریخ ادیان^{۳۴} متوجه آثار باقی از معابد ادیان مختلف است؛ یا مورخ تاریخ فرهنگی^{۳۵} متوجه آثار معماری است چرا که آنها را از مظاهر فرهنگ می‌داند. مورخ تاریخ سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی نیز از وجهی متوجه آثار معماری گذشته‌اند و هر یک در پی مقصود خویش‌اند (Leach, 2010, 9-11).

پس اینکه مورخ معماری از پرسش خود درباره رویداد ساختن در پی رسیدن به چیست، بسیار تعیین‌کننده است. گفتیم که مورخ معماری آشنا با معماری است و از این حیث از دیگر مورخانی که به معماری گذشته نظر دارند، متمایز است. بر پایه آنچه که درباره معنی معماری گفتیم، می‌توان گفت که مقصود کلی مورخ معماری از پرسش درباره واقعه معماری و رجوع به آثار آن، آموختن علم و عمل معماری و شناخت تقدیر و تدبیر گذشتگان در عمارت جای‌هاست.^{۳۶} البته رسیدن به این مقصود کلی، مستلزم گذشتن از مقاصد جزئی دیگر است. در هر پژوهش تاریخ معماری، می‌توان در پی رسیدن به یکی از این مقاصد بود.

چیستی تاریخ شفاهی معماری ایران

بنا بر آنچه درباره ساختار پژوهش تاریخ شفاهی و تاریخ معماری گفتیم، تاریخ شفاهی پژوهش در آن بخش از وقایع گذشته است که شاهدان و عاملان آن هنوز زنده‌اند، از طریق رجوع به اقوال ایشان و مقصد کلی آن از جنس معرفت است. تاریخ معماری نیز پژوهش درباره وقایع گذشته معماری ایران فرهنگی، بر پایه آثار و نشانه‌های باقی از آنهاست و مقصود آن آموختن علم و عمل معماری است. تاریخ شفاهی معماری ایران نیز مانند شاخه‌های بالادست آن، از جنس پژوهش است؛ پس بر پایه ساختار پژوهش تاریخ شفاهی و تاریخ معماری، می‌توان به ساختاری برای «تاریخ شفاهی معماری ایران» دست یافت.

موضوع تاریخ شفاهی معماری ایران

موضوع تاریخ شفاهی معماری ایران بخشی از وقایع معماری گذشته است که در محدوده ایران فرهنگی روی داده و شاهدان و عاملان آن هنوز زنده‌اند. بنابراین، تنها وقایع معاصر معماری می‌توانند موضوع تاریخ شفاهی معماری باشند، یعنی واقعه ساخته و آبادان شدن جای‌ها در دوران معاصر؛ چه شاهدان و عاملان وقایع پیش از آن دیگر زنده نیستند.

وقایع معاصر معماری ایران از دو گونه است: نخست وقایع معماری مدرن که وقایع منسوب به معماران مدرن ایرانی است. بسیاری از پیشگامان معماری مدرن ایران و کسانی که شاهد آن وقایع بوده‌اند، هنوز زنده‌اند و این فرصت را برای شناخت معماری مدرن ایران باید غنیمت شمرد. دوم وقایع معماری سنتی که وقایع منسوب به استادکاران معماری سنتی ایران است. امروز بخت آن را داریم که با واپسین نسل از معماران سنتی ایران هم‌زمان باشیم. ایشان از بسیاری جهات، با معماران دانشگاهی پس از خود متفاوت‌اند. مثلاً از حیث آموزش معماری، آخرین نسل از معمارانی هستند که در نظام استاد و شاگردی معماری را آموختند. به همین روی در این نسل می‌توان نشانه‌هایی از علم و عمل استادکاران گذشته معماری ایران جست؛ چه ایشان از بسیاری جهات همانند آنهایند. علاوه بر معماران، شاهدان این وقایع نیز هنوز زنده‌اند و اقوال ایشان می‌تواند در شناخت آن وقایع راهگشا باشد.

موضوع تاریخ شفاهی معماری ایران محدود به وقایع معاصر است، اما تاریخ شفاهی در شناخت وقایع پیش از این دوران نیز راهگشاست. در تاریخ شفاهی می‌توان از وقایع معماری که در گذشته دور واقع شده و شاهدان و عاملان آن دیگر زنده نیستند، نیز نشان گرفت. برخی از تحولات بنیادین در زندگی ایرانیان، مربوط به یک سده اخیر است و امروز دو نسل با هم می‌زیند که یکی اوضاع و احوال پیش از این تحولات را به چشم خود دیده و دیگری از آن بی‌خبر است. در این دوران گذار، بسیاری از نشانه‌های وقایع معماری قدیم، که از روزگار دور باقی بود، از دست رفته یا روبه نابودی است. پس ما با شاهدانی می‌زییم که نه خود وقایع قدیم معماری، بلکه نشانه‌های باقی از آن وقایع و تغییر و تخریب و از دست رفتن آن را دیده‌اند. در تاریخ شفاهی می‌توان در پی حفظ و احیای این نشانه‌ها و آثار باقی در اقوال شفاهی برآمد. این نشانه‌ها ممکن است آثار مادی باشد، مانند بناهایی که دچار تغییرات کالبدی شده یا به کلی ویران شده‌اند. آنها که شاهد این تغییر و ویرانی بودند، می‌توانند از صورت اصلی آن آثار خبر دهند. دیگر نشانه‌هایی که می‌توان در تاریخ شفاهی معماری احیا کرد، شیوه زندگی در بناها، نام آنها، سیاقی که واقعه معماری در آن روی داده و مانند آن است. بنابراین در تاریخ شفاهی معماری، می‌توان به‌طور غیرمستقیم در پی شناخت وقایع معماری گذشته دور نیز بود.

مرجع تاریخ شفاهی معماری ایران

مرجع تاریخ شفاهی معماری ایران اقوال شفاهی عاملان و شاهدان وقایع معماری گذشته است. معمار را به یک اعتبار می‌توان مهم‌ترین عامل واقعه معماری شمرد. درک چگونگی وقوع واقعه متضمن پرسش از علم و عمل معمار است. از دوران گذشته، به‌ویژه در ایران، کمتر متن مکتوبی داریم که مستقیماً درباره علم و عمل معماری باشد؛ حتی در کمتر اثر معماری می‌توان نام و نشانی از معمار آن جست. اما در تاریخ شفاهی معماری، با رجوع به اقوال معماران می‌توان از واقعه معماری خبر گرفت.

خواست و اراده نخستین در واقعه معماری از آن حامی یا کارفرماست. اهمیت و تأثیر حامیان معماری در همه زمان‌ها و مکان‌ها آشکار است.^{۴۷} در تاریخ شفاهی معماری می‌توان به سراغ حامیان معماری که هنوز زنده‌اند رفت و واقعه را نزد ایشان جست یا با رجوع به آشنایان و احفاد ایشان، اطلاعاتی درباره واقعه معماری کسب کرد.

در واقعه معماری بنایی ساخته یا جایی آبادان می‌شود، برای زیستن مردمان. پس ساکنان جای‌ها نیز می‌توانند از وجهی از واقعه معماری پرده بردارند. افزون بر معماران و حامیان و ساکنان، که مهم‌ترین منابع تاریخ شفاهی معماری‌اند، اقوال شفاهی دیگر کسانی که در جای و گاه واقعه معماری حضور داشته‌اند و شاهد ساخته شدن بنا یا آباد شدن جایی بوده‌اند نیز در زمره مراجع تاریخ شفاهی معماری است. هرچند ایشان دستی در آن واقعه نداشته‌اند، از بخشی از وجوه آن آگاهند و دیده‌ها و شنیده‌هایشان در تاریخ شفاهی معماری ارزشمند است.

مقصد تاریخ شفاهی معماری ایران

تاریخ شفاهی معماری ایران به تبع شاخه‌های مقدم بر آن، در پی شناخت علم و عمل معماری است. در تاریخ شفاهی معماری ایران می‌توان در پی شناخت همه وجوه وقایع معماری معاصر و برخی وجوه وقایع قدیم بود. می‌توان از اوضاع و احوال مکان و زمان واقعه پرسید و اینکه چرا واقعه در آن مکان و در آن زمان واقع شد. از اینکه آثار واقعه چند و چون بود و چرا چندان و چنان بود. از حامیان آن واقعه و تأثیر و مقصود ایشان پرسید. از همه بنیادین‌تر، می‌توان از علم و عمل معمار پرسید؛ چه ایشان یا کسانی که ایشان را می‌شناختند هنوز باقی‌اند. این از معدود راه‌هایی است که می‌توان مستقیماً با علوم و فنون معمار و تمام وجوه عمل او و دیگر عاملان واقعه معماری مواجه شد.

در تاریخ شفاهی معماری ایران، می‌توان از همه وقایع معاصر معماری ایران سراغ گرفت؛ حتی آنها که در تاریخ معماری مغفول مانده است. می‌توان وقایعی را جست که در شهرهای کوچک و روستاهای دورافتاده روی داده است. می‌توان از وقایع معماری طبقات فرودست و محروم جامعه، زنان، و اقلیت‌های قومی و مذهبی پرسید.

تاریخ شفاهی معماری ایران همچنین راهی است برای آنکه عاملان و شاهدان وقایع معاصر معماری خود چرایی آن وقایع و اندیشه‌ای را که در پس آن بوده است آشکار کنند؛ و نیز خود راوی آنچه کرده‌اند و آنچه ساخته‌اند باشند تا بتوان به روایتی نزدیک‌تر به واقع، از گذشته معماری ایران دست یافت.

نتیجه‌گیری

تاریخ شفاهی معماری ایران شاخه پژوهشی جدیدی است که کمتر به آن پرداخته‌اند. پژوهش در این عرصه، مستلزم داشتن تصویری روشن از آن است تا مبنایی برای پژوهش‌های آتی در این حوزه باشد. تعریف تاریخ شفاهی معماری ایران مستلزم بازاندیشی در شاخه‌های بنیادی‌تری چون تاریخ، تاریخ شفاهی، تاریخ معماری ایران است. مراد از «تاریخ» در این مقاله، گونه‌ای پژوهش است که همچون هر پژوهشی، موضوع، مرجع، و مقصدی دارد. موضوع پژوهش تاریخی وقایع گذشته است. مرجع آن شواهد باقی است؛ و مقصدش کسب معرفت است. تاریخ شفاهی و تاریخ معماری ایران نیز جزو پژوهش‌های تاریخی‌اند. پس می‌توان ساختار پژوهش تاریخی را مبنایی مشترک برای تعریف و پیوند آنها و تعریف «تاریخ شفاهی معماری ایران» گرفت. موضوع تاریخ شفاهی بخشی از وقایع گذشته است که شاهدان و عاملان آن هنوز زنده‌اند. مرجع آن اقوال ایشان و مقصد آن معرفت است. موضوع تاریخ معماری ایران وقایع گذشته معماری ایران، یعنی وقایع ساخته یا آبادان شدن جای‌ها در محدوده ایران فرهنگی است. مرجع آن شواهد کتبی، مادی، و شفاهی باقی است. مقصد آن به تعبیری، شناخت علم و عمل معماری است. بنابراین تاریخ شفاهی معماری ایران پژوهش درباره بخشی از وقایع معاصر معماری ایران، اعم از وقایع معماری مدرن و سنتی است بر پایه اقوال شفاهی شاهدان و عاملان آن که هنوز زنده‌اند؛ و مقصد از آن شناخت علم و عمل معماری است. تاریخ شفاهی معماری ایران راهی است برای دست یافتن به بینش و دانشی ارزشمند درباره معماری گذشته ایران. اما منبع تاریخ شفاهی آدمیان‌اند و آدمی فانی است و بسیار زودتر از دیگر انواع منابع از دست می‌رود. پس غفلت از آن، منجر به از دست رفتن این منابع گرانقدر خواهد شد و فرصت کنونی برای شناخت معماری به زودی به‌سر خواهد آمد.

تشکر و قدردانی

این مقاله بخشی از رساله نهایی نگارنده در مقطع کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران است که با راهنمایی استاد گرانقدر «دکتر مهرداد قیومی بیدهندی»، به سرانجام رسید. از ایشان به خاطر راهنمایی‌ها و یاری‌هایشان سپاسگزارم.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته مراد از «تعریف» یا «چیستی» در این بحث، تعریف منطقی به حد و رسم نیست؛ بلکه معرفی و روشن کردن است.
۲. در دو دهه اخیر، مطالب بسیاری با عنوان «تاریخ شفاهی» در ایران منتشر شده است اما بسیاری از آنها مبنای درستی ندارند و با اصول نظری و عملی تاریخ شفاهی مغایرند و تاریخ شفاهی همچنان در ایران ناشناخته است.
3. research
4. inputs
5. process
6. outputs
۷. گاهی این دو معنی متمایز را «تاریخ چونان گزارش» و «تاریخ چنان رویداد» نیز می‌گویند (استنفورد، ۱۳۸۲، ۲۲).
۸. نمونه‌های کاربرد تاریخ در این معنی بسیار است (ن.ک. آیینه‌وند، ۱۳۷۷، ۵۷-۶۲).
۹. مثلاً مترجمان پیشین در ترجمه از زبان فرانسه، علاوه بر لفظ «historie»، الفاظ «annals» به معنی «سالنامه»،

- «chronique» به معنی «گناه‌شماری»، «ere» به معنی «مبدأ تاریخ»، «computation» به معنی «حساب تخمینی زمان»، و «date» به معنی «سال‌ماه» را نیز به «تاریخ» برگردانده‌اند (ن.ک. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «تاریخ»)
۱۰. یکی از کسانی که در ساختار پژوهش یا پرسش‌اندیشیده و تحلیلی از آن به دست داده، مارتین هایدگر است. ما نیز این ساختار را مرهون اوییم.
11. that which is asked about/مسئول عنه/
12. that which is interrogated/مسئول منه/
13. that which is to be found by the asking/ which is to be ascertained/ مسئول الیه/
14. Robin George Collingwood (1943 – 1889).
۱۵. آنچه مورخان گذشته از «عبرت» مراد می‌کردند با رویکردهای عمل‌گرایانه (pragmatic) کنونی متفاوت است (برای آگاهی بیشتر ن.ک. حجت، ۱۳۸۰، ۳۹-۳۴).
۱۶. «تاریخ شفاهی» برگردان اصطلاح «oral history» به فارسی است. در آن «تاریخ» را معادل «history» و «شفاهی» را معادل «oral» گرفته‌اند. در بحث از این الفاظ، مراد هر دو لفظ فارسی و لاتینی است.
۱۷. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «شفاهی» و انکار تا، ذیل «oral».
۱۸. این لفظ را Allan Nevins (۱۸۹۰-۱۹۷۱) در سال ۱۹۸۴ وضع کرد. او در این زمان نخستین برنامهٔ تاریخ شفاهی ایالات متحد را در دانشگاه کلمبیا آغاز کرد.
۱۹. شاید به سبب همین ابهام لفظی است که تاریخ شفاهی تعریفی واحد و اجماعی ندارد. تنوع تعاریف روشنگر اختلاف دیدگاه‌هایی است که در مباحث نظری و عملی تاریخ شفاهی هست و البته برخی نیز محصول درک نادرست تاریخ شفاهی است. اگرچه تأمل در اسباب تفاوت تعاریف تاریخ شفاهی می‌تواند در تعریف «تاریخ شفاهی معماری ایران» راهگشا باشد، شناخت اشتراک‌ها و توافقات مقدم بر آن است. در این مقاله در پی شناخت اشتراک‌هاییم و تبیین اختلافات مستلزم مجالی دیگر است.
20. method
21. discipline
۲۲. معمولاً علاوه بر بایگانی‌داران، صاحب‌نظران شاخه‌هایی که از حیث قواعد عملی با تاریخ شفاهی مشابهت دارد، مانند جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نیز تاریخ شفاهی را روشی در شاخهٔ تاریخ می‌دانند. (ن.ک. Curran, ۲۰۰۶، ۳-۴).
۲۳. اگر تاریخ شفاهی را رشته‌ای جدای از تاریخ بدانیم، باید بپرسیم که وجه تمایز این رشته و رشتهٔ تاریخ چیست؟ برای آن ناگزیریم بدانیم معیار طبقه‌بندی و تمایز رشته‌ها چیست؛ و به کدام اعتبار تاریخ شفاهی از تاریخ متمایز شده است. پیداست که چنین مباحثی خارج از حوصلهٔ این مقاله و بضاعت علمی نگارنده است.
۲۴. سابقهٔ این مباحثات در تمییز علوم نظری و عملی یا در تمییز علم و فن، در میان دانشمندان علوم مختلف بسیار طولانی است. برای آگاهی از نمونه‌ای از این اختلافات نزد منطقیون ن.ک. خوالساری، ۱۳۸۸، ۶۱-۶۲.
۲۵. بسیاری از این مباحثات در میان مکاتبات اینترنتی اعضای گروه تاریخ شفاهی مجموعهٔ H-Net، وابسته به انجمن تاریخ شفاهی بوده است. ن.ک. بخش تاریخ شفاهی در وبگاه Humanities and Social Sciences Online (H-Net).
۲۶. تعاریفی که در دانشنامه‌ها و لغت‌نامه‌های معتبر در معنی تاریخ شفاهی آمده است نیز با این ساختار، منطبق است. برای مثال ن.ک. "oral history" in Dictionary of Encarta.
27. oral evidence
۲۸. این روایت‌ها در زمرهٔ «سنت شفاهی» و موضوع پژوهش‌هایی با عنوان «oral tradition» یا «folklore» است. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ تفاوت تاریخ شفاهی و سنت شفاهی ن.ک. Vansina, 1985, 12-13; 'folk literature' in Britanica.
۲۹. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ این دو رویکرد ن.ک. هاشمی، ۱۳۹۰، ۳۲-۴۲.
30. Michael Stanford (-1923).
31. architectural history
۳۲. تاریخ معماری به مثابه یک «رشته» مبانی روشن و اجماعی ندارد (ن.ک. Leach, ۲۰۱۰، ۹-۱۰). به‌همین سبب برخی اساساً در «رشته» بودن آن تردید کرده‌اند: «معمولاً در هر رشته‌ای به فراخور چیستی آن، پژوهشگران علاوه بر جستجو و پژوهش در آن حوزه، مشتاق و نگران تدوین اصول و مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن نیز هستند. اما تاریخ معماری از این حیث چنان فقیر است که باید پرسید آیا اساساً می‌توان آن را «رشته» خواند؟ آیا پژوهشگران این حوزه به اصول نظری کارشان اهمیت می‌دهند؟ آیا هرگز از خویش می‌پرسند که «تاریخ معماری چیست؟» چه چیز آن را از «معماری» و «تاریخ» متمایز می‌کند؟ موضوع پژوهش تاریخ معماری دقیقاً چیست؟ شهرها، ساختمان‌ها و مواد آن است؛ یا مردمی که آن را طراحی کرده‌اند؛ یا مراحل ساخت و رابطهٔ آن با فناوری آن دوران؛ یا نظام اقتصادی، تفکر فلسفی و جهان‌بینی؟ روش مطالعه در تاریخ معماری چگونه است؟ اطلاعات چگونه گردآوری، واریسی، تحلیل و تفسیر می‌شوند؟» (ن.ک. Seligmann, 1980, 14).
۳۳. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ معنی لفظی «معماری» ن.ک. قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸، ۵-۶.
۳۴. آغازگر تاریخ هنر به شیوهٔ نخست، جورج وازاری (Giorgio Vasari) صاحب کتاب زندگی‌نامهٔ هنرمندان (Lives of the Most Eminent Painters, Sculptures and Architects) بود. معمولاً در این شیوه، هنرمند تنها پدیدآورنده

- اثر هنری است و آثار نیز تنها در سیاق زندگی‌نامه او بررسی می‌شود (ن.ک. Fernie, 2006, 20). آغازگر تاریخ هنر به شیوه دوم را وینکلمان (Johann Joachim Winckelmann) می‌دانند. تأکید او بر اثر هنری به جای هنرمند، راه را برای شیوه‌های جدید در تاریخ‌نویسی هنر گشود که با پیدایش و گسترش تاریخ‌های سبک‌شناسانه با انتقادات بسیار مواجه شد (آرنولد، ۱۳۸۹، ۶۸).
۳۵. انتقاد بر این دو شیوه تاریخ‌نویسی در هنر و معماری سبب بازاندیشی تاریخ هنر و معماری در سال‌های اخیر شده است (آرنولد، ۱۳۸۹، ۲۷-۲۸). همچنین ن.ک. Fernie, 2006, 20. and Fernie, 2003, 204.
۳۶. چنانکه در شناخت هنر نیز گرفتار چنین دوری بوده‌ایم. برای آگاهی بیشتر ن.ک. ریخته‌گران، ۱۳۸۶، ۳۰-۳۱.
۳۷. در تعیین محدوده ایران در وقایع گذشته، نباید به مرزهای سیاسی کنونی بسنده کرد و باید متوجه هر آنچه در محدوده «ایران فرهنگی» روی داده است باشیم؛ چرا که در ایران، مانند بسیاری از نقاط جهان مرزهای سیاسی بر مرزهای فرهنگی انطباق ندارد. (درباره حدود ایران فرهنگی ن.ک. خالقی‌مطلق، ۱۳۸۵، ۳۶-۳۷). همچنین پرسش از اینکه «ایران» در «تاریخ معماری ایران» تنها قید مکانی بر تاریخ معماری می‌نهد یا ممکن است قید هویتی نیز باشد، خود جای اندیشه دارد.
۳۸. درباره اقسام شواهد مکتوب تاریخ معماری ن.ک. قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸، ۸-۹.
۳۹. برای مثال نویسندگان مقالات Rethinking Architectural Historiography با آنکه در پی گسترش حدود تاریخ معماری از حیث موضوعات، نظرگاه‌ها و منابع‌اند، منابع تاریخ معماری را آثار مادی و متون کتبی می‌دانند و هرگز به شواهد شفاهی اشاره‌ای نکرده‌اند. همچنین نویسنده کتاب What is Architectural History? که از جامع‌ترین و جدیدترین پژوهش‌ها درباره تاریخ معماری است، هرچند که متوجه اهمیت منابع شفاهی است، شناخت درستی از آن ندارد. چنانکه در فهرستی که از منابع معماری برمی‌شمارد، در کنار قراردادهای، مکاتبات، نقشه‌ها، صورت‌حساب‌ها، و مانند آن از «تاریخ شفاهی» نیز نام می‌برد (Leach, 2010, 81). غافل از اینکه تاریخ شفاهی از جنس پژوهش است و خود مبتنی بر «شواهد شفاهی» است و قرار دادن تاریخ شفاهی در شمار شواهد تاریخی، کاستن «تاریخ شفاهی» به «شاهد شفاهی» است؛ مانند آنکه «سکه‌شناسی» را «سکه» یا «سندشناسی» را «سند» بگوییم.
۴۰. مراد از آشنایی با معماری، آشنایی با علم و عمل معماری است، نه فقط آثار معماری.
۴۱. مورخان «فنون معماری» را در زمره «دانش‌های کمک‌کار تاریخ»، همچون سکه‌شناسی، زبان‌شناسی، خط‌شناسی می‌شمارند. (آیین‌وند، ۱۳۷۷، ۳۶۷-۳۶۸).
۴۲. آغاز توجه جدی به این شواهد در پژوهش‌های تاریخی را از قرن نوزدهم می‌دانند (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴، ۶۲)؛ اگرچه نشانه چنین توجهاتی در میان مورخان روزگار دور نیز هست.
43. military history
44. history of religious
45. cultural history
۴۶. مراد از آموختن در اینجا، کسب معرفت و دانایی است و با ساز و کار آموزش در مدارس معماری کنونی متفاوت است. همچنین آموختن معماری، گرده برداری و تقلیدهای شکلی نیست. این دست رویکردهای عمل‌گرایانه (pragmatic) به تاریخ معماری از میانه سده بیستم آغاز شد. در آن دوران، تاریخ معماری در مدارس معماری مورد توجه قرار گرفت؛ چرا که آن را گنجینه‌ای غنی از آثار و نمونه‌های معماری می‌دانستند که در کار طراحی به یاری معماران می‌آمد. این توجهات گاه به تقلیدهای سطحی منجر می‌شد و گاه تأثیرات پیچیده‌تری در فرایند طراحی داشت (Otto, 2006, 51-54).
۴۷. هرچند که معماران امروزی به غلط، تمایل دارند که خود را تنها پدیدآورنده و خالق اثر معماری بنمایند و منکر دیگر نیروهای مؤثر در کار معماری شوند (ن.ک. Ballantyne, 2006, 39).

منابع

- آرنولد، دینا (۱۳۸۹) *تاریخ هنر*، ترجمه: رحیم قاسمیان، بصیرت، تهران.
- آیین‌وند، صادق (۱۳۷۷) *علم تاریخ در گستره تمدن اسلام*، ج ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴) *درآمدی بر تاریخ‌نژوهی*، ترجمه: مسعود صادقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و دانشگاه امام صادق، تهران.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲) *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه: احمد گل محمدی، نشر نی، تهران.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰) *میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی*، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
- خالقی‌مطلق، جلال (۱۳۸۵) «هویت ایرانی و مرزهای ایران فرهنگی»، *گلستان هنر*، ش. ۱، ۷-۱۷.
- خوانساری، محمد (۱۳۸۸) *منطق صوری*، آگاه، تهران.
- ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۸۶) *حقیقت و نسبت آن با هنر: شرح رساله‌ای از مارتین هایدگر*، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۸) «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها»، *گلستان هنر*، ش. ۱۵، ۵-۲۰.
- کار، ادوارد هلت (۱۳۸۶) *تاریخ چیست؟*، ترجمه: حسن کامشاد، خوارزمی، تهران.
- کالینگود، رایین جرج (۱۳۸۵) *مفهوم کلی تاریخ*، ترجمه: علی‌اکبر مهدیان، اختران، تهران.
- گلیجانی‌مقدم، نسرین (۱۳۸۴) *تاریخ‌شناسی معماری ایران: طرح رویکردی جدید با توجه به کاستی‌های تاریخ‌نگاری معماری ایران*، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، تهران.
- هاشمی، سیده میترا (۱۳۹۰) *تاریخ شفاهی در تاریخ معماری ایران: درآمدی بر مباحث نظری و عملی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، استاد راهنما: مهرداد قیومی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران.
- هایدگر، مارتین (۱۳۸۶) *هستی و زمان*، ترجمه سیاوش جمادی، ققنوس، تهران.
- Ballantyne, Andrew (2006) "Architecture as Evidence", Dana Arnold and Elvan Altan Ergut and Belgin Turan Ozkaya (eds.) *Rethinking Architectural Historiography*, Routledge, New York, pp. 36-49.
- Coldstream, Nicola (2003) "The Architect, History and Architectural History", in Janet L. Nelson (ed.) *Transactions of the Royal Historical Society (Sixth Series)*, Royal Historical Society, pp. 219-226.
- Evans, George Ewart (1972) "Approaches to Interviewing", *Oral History*, Vol. 1, No. 4, The Interview in Social History: Part 1, pp. 56-71.
- Fernie, Eric C. (2006) "Art History and Architectural History", in Dana Arnold and Elvan Altan Ergut and Belgin Turan Ozkaya (eds.) *Rethinking Architectural Historiography*, New York: Routledge, pp. 17-23.
- Fernie, Eric C. (2003) "History and Architectural History", *Transactions of the Royal Historical Society*, Vol. 13, pp. 199-206.
- Lance, David (1980) "Oral History Archives: Perceptions and Practices", *Oral History*, Vol. 8, No. 2, pp. 59-63.
- Leach, Andrew (2010) *What is Architectural History?*, Polity Press, Cambridge.
- Morrissey, Charles T. (1980) "Why Call It "Oral history" Searching for Early Usage of a Generic Term", *The Oral History Review*, Vol. 8, pp. 20-48.
- Otto, Christian F. (2006) "Program and Programs", in Dana Arnold and Elvan Altan Ergut and

Belgin Turan Ozkaya (eds.) *Rethinking Architectural Historiography*, Routledge, New York, pp. 51-59.

- Payne, Alina A. (1999) "Architectural History and the History of Art: A Suspended Dialogue", *Journal of the Society of Architectural Historians*. Vol. 58, No. 3, pp. 292-299.
- Perelman, Ellen and Sara, R. Curran (2006) *A Handbook For Social Science Field Research*, Sage Publications.
- Perks, Robert and Alistair, Thomson (2003) *The Oral History Reader*, Routledge, London.
- Ritchie, Donald A. (2003) *Doing Oral History: A Practical Guide*, Oxford University Press, New York.
- Seligmann, Claus (1980) "Architectural History: Discipline or Routine?", *Journal of Architectural Education*, Vol. 34, No. 1, How Not to Teach Architectural History, pp. 14-19.
- Vansina, Jan (1985) *Oral Tradition As History*, The University of Wisconsin Press, London.
- <http://www.h-net.org/~oralhist/>